

شود و ممکن است برای سلامت بینندگان هم مضر باشد. روزنامه بیلد آلمان در جریان جام جهانی با اشاره به ووتوزلاهای تیر زد: «دیگر هرادی روی اعصاب ما راه نمی‌رود». بسیاری از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز مجبور بودند حسین بازی‌ها صدای ورزشگاه را کم یا به طور کلی قطع کنند. «لانس» «استرگانگ» اسلووه و دوخرسواری دنیا نیز حسین جام جهانی به دلیل معترضان استفاده از ووتوزلا در استادیوم‌ها اضافه شد. او در صفحه شخصی‌اش در شبکه اجتماعی توئیتر نوشت: «داشتن بازی انگلیس به نگام می‌آید، این صدای بوق جی بود از اول بازی می‌زدن؟ این قصد توهین به ووتوزلا‌ها رو ندانم، از رفیق رفیق نمی‌کنی صدایش زیاد بلند؟» بسیاری از خبرنگاران هم با شکایت از این مساله گفته بودند با وجود این شیپورها نمی‌توانند کار خود را به خوبی انجام دهند و باید هرچه سریع‌تر جلوی ورود آنها به ورزشگاه گرفته شود. تعداد زیادی از بازیکنان از جام جهانی جام جهانی با نوشتن بیانه‌های اعتراض‌آمیز به فیفا اعلام کردند: «بازی کردن تحت این شرایط بسیار دشوار است. معمولاً بازیکنان در زمین یکدیگر را صدا می‌زنند و با هم صحبت می‌کنند. با وجود این سروصداها حتی از فاصله چند متر نمی‌توان چیزی شنید. حتی بعضی وقت‌ها صدای سوت داور هم شنیده نمی‌شود. البته هیاهوی هواداران جزئی از فوتبال بوده است، اما نه به این صورت که تمام بازیکنان سعی می‌کنند از دنبال کنند» «فابیو کاپلو» مربی تیم ملی انگلیس نیز در جریان جام جهانی وقتی خبردار شد یک کافه در شهر کیپ‌تاون دارد ووتوزلاهای رایگان به تماشاگران می‌دهد، واکنشی خمیازه‌دارانه از خود نشان داد. این وضعیت به بنیاد جهانی شنوایی مستقر در سوئیس نیز کشیده شد تا آنها نیز وارد ماجرا شوند. آنها اعلام کردند ووتوزلا صدایش از صدای یک اربرجی بلندتر است و خواستار توقف در تاختن آنها شدند. همچنین این قضیه باعث مجادلات آنلاین در دنیای اینترنت هم شد. یک ویدئو رایج شبکه جهانی یوتیوب که در مورد این شیپور توضیح می‌دهد، به وسیله ۲۵۰ هزار نفر دیده شد و به نظر می‌رسد بسیاری از آنها ووتوزلا را دوست ندارند. این افراد در بازدید از این فیلم نوشت: «واقعاً صدای گوش‌آزار و نامعنا دارد.» روی شبکه اجتماعی فیس‌بوک، صفحات متعددی ایجاد شد که خواستار جام جهانی عاری از ووتوزلا بودند. حتی وبسایتی برای خلاصی از بوق‌ها اختصاص داده شده است. در یک نظرخواهی نیز از افراد خواسته شد به دو موافقت یا مخالفت استفاده از این بوق در جام جهانی رای دهند. تا یکشنبه ۱۳ ژوئن، ۳۰ هزار نفر خواستار ممنوعیت این شیپور شده بودند و تنها ۶۵۰۰ نفر خواسته بودند این بوق باقی بماند. دنی جردن مسئول برگزاری جام جهانی از جمله افرادی بود که بارها و بارها در مورد ووتوزلا در جریان جام جهانی از او سوال شد و او تنها پاسخ می‌داد: «ما سعی کرده‌ایم قوانین بر مسابقات حاکم باشند. درخواست کرده‌ایم ووتوزلا‌ها را هنگام سرودهای ملی و اعلان‌های استادیوم قطع کنند. کار سختی است، اما تمام تلاش‌مان را می‌کنیم. از تماشاگران پرشور، فیمیدو و میهمان‌نواز آفریقای می‌خواهم از ووتوزلا برای تشویق تیم‌شان استفاده نکنند از نوع کم‌صدای آن استفاده تا حد زیادی نود دقیقه از بیش از این بجز رنجش میهمانان عزیز کشورشان باشد.»

کرد، رسمی که جلوگیری از آن، یک تبیضی به حساب می‌آید. رئیس فیفا در این زمینه گفته بود: «وووولازا یک فرهنگ آفریقایی است، ما کنون در آفریقا هستیم» و باید به آنها اجازه دهیم طبق فرهنگشان عمل کنند. وووولازا، طبل‌ها و آواز خوانی‌ها بخشی از فرهنگ فوتبال آفریقایی‌هاست. اینها بخشی از جشن‌هایشان است، بخشی از فرهنگشان؛ پس بگذارید وووولازا نشان بزنند. هیچ دلیلی نمی‌بینم که استفاده از این شیپورها در ورزشگاه‌ها ممنوع کنیم. پیش از این هم گفته بودم جام جهانی در آفریقای جنوبی رنگ و بوی دیگری خواهد داشت. من نمی‌توانم با فرهنگ و سنت هواداران یک کشور مقابله کنم. اصلاً دلیلی هم برای انجام این کار وجود ندارد. البته من پیش از جام هم اعلام کرده بودم تیم‌ها باید خودشان را برای روبرویی با پدیده‌ای به نام وووولازا آماده کنند.» فیفا چنین رقابت‌ها اعلام کرد بازکنان باید تمام توجه‌شان در معطوف بازی کنند و به مسائل خارج از زمین کاری نداشته باشند. همچنین اعلام شده بود که زمین در صورتی که استفاده از این شیپورها خلی در روند بازی ایجاد کند با آن برخورد خواهد شد. بسیاری از فوتبال‌دوستان آفریقایی بر این باورند که وووولازا به جام جهانی امسال ویژگی خاصی شبیه‌دست و باعث می‌شود مردم همواره به یاد بیاورند که این جام، یک تورنمنت آفریقایی است که تمام رنگ‌ها و ویژگی‌های زندگی در فقیرترین قاره جهان را در خود دارد. «ریچ موندو» سخنگوی کمیته محلی برگزاری مسابقات جام جهانی ۲۰۱۰ اینگونه گفته است: «مردم سراسر جهان این شیپور را دوست دارند و فقط گروه اندکی با آن مخالف هستند. وووولازا نمادی از فرهنگ مردم آفریقایی جنوبی در فوتبال است و همه می‌توانند با این فرهنگ را بپذیرند. ما به این شیوه جام جهانی ۲۰۱۰ را جشن گرفتیم، ضمن اینکه مردم سایر کشورها نیز این شیپور را دوست دارند.»

■ لشگر مخالفان: اما در طرف دیگر این جریان، لشگری از مخالفان استفاده از این بوق بودند. لشگری که طیف وسیعی را دربر می‌گرفت؛ از بازیکنان و دست‌اندرکاران تیم‌ها در استادیوم‌ها گرفته تا سولوان پخش رادیویی و تلویزیونی رقابت‌ها و تماشاگران در سراسر دنیا. این میان کمپین‌هایی نیز به وجود آمد و حتی پای انجمن‌های بین‌المللی هم برای خاموش کردن صدای این شیپور به میان آمد. در نخستین روز جام جهانی «پاتریک اورا» سرپرست فرانسه علت عملکرد ضعیف تیمش را وجود این بوق‌ها دانست. او همچنین ادعا کرد است صدای این وووولازا حتی خارج از استادیوم‌ها مانع استراحت و خواب ورزشکاران در هتل‌هایشان می‌شود: «مردم از ساعت شش صبح به زدن این بوق‌ها می‌کنند و ما نمی‌توانیم در زمین صدای همدیگر را بشنویم.» «لیونل مسی» هم اعتراض خود را نسبت به صدای بلند وووولازا ابراز و اضافه کرد این صداها ارتباط بازیکنان را در زمین متخلخل می‌کند. «کریستیانو رونالدو» نیز بر این موضوع تأکید کرده بود. شرکت‌های رادیویی نیز نسبت به این صدا شکایت کردند و اعلام داشتند صدای گزارشگران شان در این صداها غرق می‌شود و شنوندگان‌شان قادر به شنیدن گزارش مسابقات نیستند. تولید کنندگی‌های سبزه‌های تلویزیونی‌های ملی هم شکایت‌هایی وووولازا می‌توانند مانع رسمی‌دن صدای گزارشگران

بخش اعظم شیپورهای ووووزلا به رکورد تولید ۹۰ هزار عدد در روز رسید. کارخانه «هانگ‌جی» در حومه شهر نیگیو، از ابتدای شروع پروژه حدود ۹۰ درصد ووووزلا‌ی مورد استفاده و عرضه شده در آفریقای جنوبی را تولید کرد. هیون‌شی یک مقام مسوول در امر تولید این کارخانه گفت: «در جام جهانی آنقدر درخواست و تقاضا برای خرید این بوق‌ها در کشور میزبان جام و سایر نقاط جهان زیاد بود که ما نتوانستیم با افزایش کیفیت‌های کاری، شمار تولید را از ۱۰ هزار عدد در روز به ۵۰ هزار عدد برسانیم.»

■ **ووووزلا، سمبل آفریقای جنوبی:** برای روش ما برای رویحه دادن به بازیکنان، این اینکه شادی و احساس‌مان را در استادیوم بیان کنیم، ووووزلا می‌زنیم. ما به استفاده از آن عادت داریم و بدون ووووزلا نمی‌توانیم از بازی لذت ببریم. اگر ووووزلا نباشد، بازی هم وجود ندارد. این شیپور یک وسیله سنتی در آفریقای جنوبی است. در خارج، تماشاگران «بایلد به روش زندگی و نوع جشن گرفتن ما برای بازی شیپور می‌زنیم.» این سخن یکی از طرفداران فوتبال در آفریقای جنوبی است. نیل فن شالیک تولیدکننده ووووزلا در آفریقای جنوبی هم می‌گوید: فوتبال احترام گذاشت. فوتبال باعث شده کشوری که به ۱۱ زبان مختلف حرف می‌زند، یک مفهوم واحد پیدا کند. ما نمی‌توانیم در استادیوم برای تشویق تیم خود آهنگ (یکسان) بخوانیم چراکه هر یک از ما به زبانی حرفی می‌زنیم که برای سایر هموطنان‌مان قابل درک نیست، این در حالی است که زبان ووووزلا را همه می‌توانند بفهمند.» یکی دیگر از فوتبال‌دوستان آفریقای جنوبی در طرفداران از این شیپور آفریقای گفت: «مانی که ما شروع به استفاده از ووووزلا‌ها کردیم، ناراحتی و حزن سراسر کشورمان را دربر گرفته بود. این ووووزلا‌ها باعث به وجود آمدن نشاط و شادی شدند. این وسیله مردم را به استادیوم‌ها می‌کشاند و هاداران را تا آخرین لحظه سحر پا و مشغول تشویق کردن نگه می‌دارد. این ووووزلا‌ها باعث شدند تا چندین سال مردم واقعیت تلخ موجود در جامعه را فراموش کنند و در عوض از این صدا لذت ببرند. مگر جام جهانی چند بار قرار است در کشور ما برگزار شود؟ اگر بخواهیم ساندال به خانه می‌رویم و بازی را بدون صدا به تلویزیون دنبال می‌کنیم.» در این میان سه پلتر هم از ووووزلا پشتیبانی و آن را رسمی آفریقای قلمداد می‌بیشتر و سریع‌تر از سرفه کردن منتقل کنند.

نکته

منتقدان ووووزلا صدای آزاددهنده این شیپور را به صدای «زمین یک گله از فیل‌ها» «هجوم کرکننده ملخ‌ها» «جیغ یک کرکننده یک بز در راه سلاخی شدن» و «یک کندوی بزرگ مملو از زنبورهای عصبانی» تشبیه کرده‌اند. این وسیله می‌تواند و بپرس سرمایه‌ور دگر را خیلی بیشتر و سریع‌تر از سرفه کردن منتقل کند.



بوق‌های پلاستیکی از دهه ۱۹۷۰ در ورزشگاه‌های
 مرکزیک مورد استفاده قرار می‌گرفتند. ووووزل‌ها که
 در اصل از جنس پل بوده‌اند، از دهه ۱۹۹۰ در
 آفریقای جنوبی محبوب تماشاگران شد‌اند اما ریشه
 این‌ها به «بوق‌های کودو» و تاریخ قبایل آفریقای
 بازمی‌گردد؛ جایی که روستاییان برای فراخواندن افراد
 هنگام گردم‌هایی از آن استفاده می‌کردند. البته
 این بوق‌ها از شاخ شاخ یا گوزن ساخته می‌شد، بنابراین
 اطلاعات منتشرشده، «فردی ماکه» یکی از طرفداران
 مطرح تیم Kaizer Chiefs آفریقای جنوبی
 مخترع نوع پلاستیکی آن است. او ادعا می‌کند ووووزل‌ها
 دو چرخ‌های اختراع کرده است. او بعدها فمیدین این
 بوق خیلی کوچک است و برای بلندتر کردن صدایش،
 لوله‌ای را به آن اضافه کرد. البته «هاکه» عکس‌هایی
 از خودش در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ از بازی‌های محلی
 آفریقای جنوبی و بازی‌های بین‌المللی سال‌های
 ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ و جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، در حالی
 که ووووزل‌ای آلومینیومی در دستش است، دارد. او
 می‌گوید این وسیله به محض تشخیص مقامات به
 عنوان یک ابزار خطرناک ممنوع شد، به همین دلیل
 در سویی کره شمالی پلاستیکی را در دست کرد.
 اما در سال ۲۰۰۱ کارخانه ورزشی «ماسینسدان»
 در آفریقای جنوبی شروع به تولید انبوه ووووزل‌ای
 پلاستیکی کرد. در اوایل سال ۲۰۱۰، اعضای کلیسای
 «بایپتست نازارت» ادعا کرده‌اند [اس‌ا] ووووزل‌ها به
 کلیسای آنها تعلق دارد و تهدید کرده‌اند اقدامات
 قانونی لازم را برای منع استفاده هواداران فوتبال
 از این وسیله به خود جلب کنند. با این حال شرکت‌های
 مختلفی اقدام به تولید انبوه این وسیله کردند، تا
 جایی که پیش از آغاز بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۰،
 شرکت هیوندای به همراه یک آژانس تبلیغاتی در
 آفریقای جنوبی، بزرگ‌ترین ووووزل‌ای دنیا را ۳۵
 مترو طول ساخته. این وسیله در ابتدای تمامی
 بازی‌های جام جهانی زده می‌شد. این وسیله در طول جام
 جهانی به اندازه‌ای توسعه یافت که تعداد ووووزل‌ها
 در هر استادیوم حدود هشت هزار عدد تخمین زده
 می‌شد و سرورصدای تماشاگران آن حتی در لابی هتل‌ها،
 فروشگاه‌ها و خیابان‌ها شنیده می‌شد.

■ اختلاف در اختراع: گرچه برخی منابع
 «ماکه» را نخستین مخترع اولیه ووووزل می‌دانند، اما
 حین جام جهانی بود که «تیل فن شالیک» ۲۷ساله
 به عنوان مخترع ووووزل به خاطر مزاحمت‌هایی که
 صدای تانجران این شیپور پلاستیکی ایجاد می‌کرد،
 عذرخواهی کرد. البته او تأکید کرد با فروش این شیپور
 پول زیادی به دست آورده است. او گفته: «متأسفم
 دارم کاری می‌کنم که به تیم‌ها اجازه نمی‌دهد آن
 طور که می‌خواهند موفق شوند، اما من دارم فروتن‌مد
 می‌شوم.» وی گفته در سال ۲۰۰۱ کار خود را با تولید
 ۵۰۰ ووووزل آغاز کرده است. یک سال پس از آن یک
 شرکت بسیار مهم از ایده این شیپور خوش آمد و
 ۲۰ هزار نمونه از آن را خریداری کرد. امروز پس از ۹
 سال به خاطر پتانسیل آن ۲۰۰هزار روسا و بازی‌های
 شروع به خریدن این آلات موسیقی کردند و به خاطر
 یک شرکت آلمانی به نام «اورباس کهربرگ» از مدتی
 قبل فروش این شیپور به‌صدا در اروپا آغاز شده است.
 البته در این بازار برپایه، ساخت ووووزل‌ا از آفریقا قدم
 ران افراط گشته و چینی‌ها نیز عرق ز راه رسیدند.
 اما رقابت‌ها بود که کارخانه عینی تولیدکننده

«جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶» قریب‌ترین رویداد اجتماعی بشر از ابتدای تاریخ تاکنون است؛ رویدادی که تنها نمایندگان ۱۹۲ ملت از بیش از ۲۰۰ کشور جهان در آن به صورت مستقیم شرکت می‌کنند، اما مردم سایر کشورها نیز - به انجای مختلف - به این رویداد پیوند می‌خورند. در همین رویداد اسلگ «جام گوناگون صورت فرهنگ‌ها، عادت‌ها، ادب و رسوم ملی گوناگون» در ذهن می‌پذیرد و نزاهت‌های مذهبی ویرگی‌های ملی دورتر به نمایش می‌گذارد. برخی از این علائم فرهنگی خوشایند و برخی دیگر مانند صدای شیپورهای آفریقایی برای سایرین ناخوشایند می‌نماید. در این صفحه به «وووزولز» و به زبان آفریقایی «لیاتانا» می‌پردازیم؛ صدایی که جنوبی‌ترین بخش آفریقا پر خراست و از ابتدا تا انتهای جام جهانی فوتبال گوش‌مان را نوازش داد.

نخستین تجربه: وقتی «ایرناموف» داور اژبکستانی در سوت بازی افتتاحیه جام نوزدهم تیم‌های آفریقایی جنوبی و فرانسه دمید، صدای عجیبی فضای ورزشگاه را پر کرد. به یکبار به یاد استادیوم آزادی افتادم و آن زمانی که طرفداران پر و پاقرص تیم‌ها در شیپورها بلند آبی و قرمز می‌دمیدند (یک بار امتحان کردم، وافتاد آردن صدایش سخت بود). اول فکر کردم تازه بازی شروع شده و چند لحظه بعد این صدا قطع می‌شود؛ اما هر چه از وقت بازی کاسته می‌شد، صدای این بوق‌ها بیشتر هم می‌شد. با خودم گفتم: «شاید چون تیم آفریقایی جنوبی بازی دارد، تماشاگران آفریقایی این شیپورها را برای حمایت از تیم خودشان به صدا درمی‌آورند. اگر این بازی را تحمل کنیم، از بازی‌های بعد بهتر می‌شود.» به همین امید به انتظار بازی دوم نشستیم، اما هنگام حس ما اشتباه بود. در بازی دوم از ابتدا این اتفاق پدیدار شد. در روز اول، این صدا در روز اول، به اندازه‌ای آزاردهنده بود که به سرعت نتوانست به نخستین معضل جام نوزدهم تبدیل شود و کوچک و بزرگ به صورت‌های گوناگون اعتراض خود را نسبت به این پدیده آفریقایی نشان دادند. همین مساله باعث شد در پی ریشه این شیپور یک متری بروم.

■ آغاز تحقیق: به محض اینکه در اینترنت برگردیم، به وبسایت‌های مختلفی می‌خوریم که در مورد «وووزولز» نوشته‌اند. «وووزولز» یا لیاتانا یک بوق ورزشی و استادیومی است با طول تقریبی یک متر و عموماً توسط هواداران آفریقایی جنوبی در مسابقات فوتبال زده می‌شود. این وسیله نایزمدند لب و ریه قوی برای زمین و خارج کردن صدای بلند و گوناگون از آن است. «کریس کاشان اعلام کرده‌اند سطح صدای این وسیله از ۱۲۱ دسی‌بل در دهانه بوق تا ۱۱۳ دسی‌بل در دهانه بوق اندازه‌گیری شده است. هر دو سطح، سطوح بالایی برای گوش‌های بی‌محافظ هستند. به این ترتیب این وسیله یک خطر برای انسان محسوب می‌شود. همچنین دو دلیل عمده دیگر برای خطرناک بودن «وووزولز» بیان شده است: «۱- تماشاچیان نمی‌توانند هشدارهای امنیتی ورزشگاه را بشنوند. ۲- این وسیله می‌تواند ویروس‌های سرمخوردگی و آنفلوآنزا را خیلی بیشتر و سریع‌تر از سرفه کردن یا جعب زدن منتقل کند.» این معتقدان، این صدای آزاردهنده را به صدای «میدن یک گله؛ یا فیل‌ها»، «هجوم کرکند ملخ‌ها»، «جعب کرکند یک بز در راه سلاخی شدن» و «یک کندوی بزرگ ملوزا؛ زن‌بورا عصبانی» نیز تشبیه کرده‌اند.

■ منشأ پدیده: این تشبیه گفتمی می‌شود این شکل از

با شروع جام جهانی مردم جهان با یک پدیده منحصر به فرد آشنا شدند: «وووولا». صدای بوق‌های سنتی آفریقای جنوبی برای اکثر طرفداران فوتبال گوشخراش بود و آنهایی که در ورزشگاه‌ها حاضر بودند برای فرار از صدای ووووولا به گوشه‌ی متوسله شدند، حتی بینندگان تلویزیونی هم از شر وووولا در امان نبودند و چند شبکه تلویزیونی درصدد این بودند تا برای نجات قدرت شنوایی با اعصاب بینندگانشان به هر شکلی که شده ادا کنند وووولا را. پاپین بیاورند، این شرایط می‌توان با قاطعیت گفت در بین مردم کشورهای دنیا تنها ایرانی‌ها هیچ مشکلی با صدای ناهنجار وووولا نداشتند. برای جماعتی که سال‌هاست گزارش‌های آزاردهنده گزارشگران تلویزیون را تحمل می‌کنند، آسان‌ترین کار نشنیدن صدای وووولاست.

گزارش گزارشگران در این دوره جام جهانی مثل همیشه با انتقادات فراوانی همراه شد، البته استثناهایی هم وجود داشت. عادل فردوسی‌پور همچنان گزارش‌هایش مورد قبول اهالی فوتبال است و فوتبال‌دوستان حسرت خوردند چرا مثل چهار سال قبل فردوسی‌پور در کل برگزاری مسابقات حضور نداشت تا شبکه سوم مجبور شود گزارش تمامی بازی‌ها را به او بسپرد، البته مزدک میرزایی هم نمره قابل قبولی گرفت اما سایر گزارشگرها که در این دوره چند چهره جدید به جمع آنها اضافه شده بود کاری کردند تا بسیاری از روزنامه‌نگاران مجبور شوند مثل همیشه بخشی از صفحات نشریه خود را به انتقاد از آقایان گزارشگر اختصاص دهند؛ کاری که سال‌هاست به آن می‌پردازند و یک سر سوزن هم از آن نتیجه نگرفتند.

گزارشگران حماسه‌ساز شبکه سوم سیما آنقدر در حرفه خود هنر به خرج می‌دهند که طرفداران فوتبال به جای اینکه در فرای بازی در مورد مسابقه صحبت کنند، ترجیح می‌دهند «آف»‌ها و جملات اعصاب‌خردکن گزارشگر مسابقه را به موضوع اصلی بحث‌هایشان تبدیل کنند و از مداد، خودکار و پاک‌کن بگویند ولی گل فولران را فراموش کنند. گزارش ضعیف گزارشگران به معضل لاینحل تلویزیون ایران تبدیل شده و به نظر می‌رسد راهی هم برای حل این مشکل وجود ندارد؛ مشکلاتی که فهرست کردن آن کار چندان دشواری هم نیست.

■ ارائه اطلاعات غلط

گزارشگر باسابقه صدا و سیما پیوستن «داوید ویا» به بارسلونا را در حد شایعه می‌دانست و خبر نداشتن این بازیکن معروف یک ماه پیش به بارسلونا پیوسته و با پیراهن شماره هفت این تیم هم عکس ارائه شده. این شاهکار نشان می‌دهد او به چه میزان از اخبار فوتبال عقب است. از این اشتباهات در گزارش‌های جام جهانی‌کی کم نیست و پیمان نیشیاد هم در دهفاد دیند شد که آقایان به صورت ناباورانه‌ای از دنیا بی‌خبرند و اگرهم باخبر بودند خبر درستی نداشتند.

■ **مدام حرف زدند**

به نظر می‌رسد گروهی از گزارشگران صدا و سیما اعتقاد دارند یک گزارشگر فوتبال باید در طول ۹۰ دقیقه به صورت لاینقطع حرف بزند و یک ثانیه هم به گوش‌های شنونده یا بیننده فرصت استراحت ندهد. و و و و و لا هم چنین بلای سر طرفداران فوتبال نیاورد. بدتر اینکه در این ۹۰ دقیقه تنها چند دقیقه‌ای بازی را گزارش می‌کنند و بیشتر وقت‌شان را برای بیان نظرات شخصی و جملاتی که ارتباطی با آنچه در زمین اتفاق می‌افتد ندارد، صرف می‌کنند.

■ **روخوانی اطلاعات**

اصولاً اطلاعات، آمار و نکات حاشیه‌ای برای تکمیل گزارش مسابقه مناسب است اما آقایان گزارشگر در این زمینه دچار یک اشتباه بنیادی شده‌اند و تصور می‌کنند وظایف آنها در طول مسابقه ارائه آمار و اطلاعات است و تشریح اتفاقاتی که در زمین می‌افتد در اولویت دوم قرار دارد. همین اصرار بر «روخوانی اطلاعات» موجب می‌شود گزارشگر اتفاقات بازی را از دست بدهد و از صحنه جا بماند. به دفعات دیده شده‌اند بازی‌های ۱۵ دقیقه‌ای و نیمه‌های گزارشگر محترم مسابقه در حال گشتن نتایج بازی در تیم در دهه ۳۰ میلادی بوده است.

بیان جملات اعصاب‌خردکن

واقعاً هنوز کشف نشده چرا دو سه گزارشگر اصرار دارند با گفتن عبارات «سن‌دراوردی» و جملات عجیب و غریب عصبی بیننده را خرد کنند. بعضی جملات آقایان، بیننده را به یاد مراسم عروسی می‌اندازد.

«اسم هلند را بنویسید اما با مداد بنویسید» از آن شاهکارهایی بود که در تاریخ ثبت خواهد شد. میزان جملات اعصاب‌خردکن و عبارات نامناسب دو سه گزارشگر آنقدر زیاد است که می‌توان بعد از هر گزارش آنها عزای عمومی اعلام کرد.

تأکید بر نظرسنجی

یکی از گزارشگران باسابقه شبکه سوم ۹۰ دقیقه گزارش خود را به سه بخش تقسیم می‌کند. در ۳۰ دقیقه اول تاریخچه دو تیم از زمان خلقت تا به امروز را می‌گوید. ۳۰ دقیقه دوم به نگویش خط دفاعی اختصاص دارد و اگر این بازی به سر نرود تیم باشگاهی باشد. ۳۰ دقیقه سوم با شمارش بازیکنان خارجی تیم‌ها و پس از آن «تنگ بر دو تیم اینترنت و آرنستال با این همه خارجی‌هایشان» سبزی می‌شود. این گزارشگر محترم در یک دهه اخیر به تعداد تمام انسان‌های روی کره زمین از دفاع چهارنفره بد گفته و مصمم است هر بار هم این جملات را تکرار کند و هزار مائادالله خسته هم نمی‌شود. حتی تبعید این گزارشگر به بازی‌های تاخیر ساعت دو بامداد هم باعث نشده کمی کوتاه بیاید. بارها دیده شده گزارشگران محترم در همان دقیقه دوم بازی درباره دو تیم، بازی و بازیکنان اظهارنظر فنی می‌کنند، حتی الکس گروس هم بازی ندارد با چنین باهوشی دست به چنین کاری برند. واقعاً معلوم نیست ۷۰ میلیون جمعیت چه گناهی کردند که باید در برابر نظرات شخصی آقای گزارشگر تسلیم شوند.

معمولاً گزارشگران شبکه سه ساعت سود دارند یا از این طرف بام می‌بندند یا از آن طرف. گهگاه مشاهده می‌شود هنگام ارسال بلند یک توپ کم‌خطر آنچنان فریاد می‌زنند و احساسی می‌شوند گویی زیدان با یک ضربه «چپ» دروازه بوفون را در فینال جام جهانی باز کرده است و در آن سو معلوم نیست چرا در بعضی اوقات یک صحنه گل را با احتی گزارش می‌کنند که بیشتر مناسب تشریح یک حرکت در ورزش پیاده‌روی است. بینندگان در برخی شب‌ها این تصور برایشان می‌آید که گزارشگر هنگام گل خواش برده که هیچ هیجانی از خود نشان نمی‌دهد. گاهی اوقات هم آقایان گفتن تاریخچه آمار و نظرات شخصی را به گزارش مهم‌ترین صحنه بازی ترجیح می‌دهند. مهاجم حریف در حال باز کردن دروازه هندوراس است و آقای گزارشگر اعتنایی به این صحنه ندارد و در حال اضافه کردن درباره جمعیت هندوراس و صادرات این کشور به دیگر کشورهاست. در همین بازی‌های جام جهانی ده‌ها بار دیده شد گزارشگر مهم‌ترین اتفاقات بازی را گزارش نکند؛ مثل پالتی دیدار آسیا - هندوراس.

■ مشکل حل‌نشدنی

همگامی که تمامی طرفداران فوتبال از بازی یک بازیکن بدشان می‌آید و او را بازیکن ضعیفی می‌شمرند، می‌دانند احتمالاً مربی هم با آنها هم‌نظر خواهد شد و بازیکن مورد نظر را تعویض می‌کند یا یک مربی ناموفق بالاخره روزی اخراج می‌شود یا دورانش به سر می‌آید اما تنها کسانی که راه فراری از دست آنها وجود ندارد همین گزارشگران شبکه سوم هستند. یک گزارشگر هر چند هم بد گزارش کند و سال‌ها اعصاب مردم را خرد کند باز هم نمی‌تواند به خروجی جام به نزدیک شود. بی دلیل نیست که حضرات تلاش‌های برای اصلاح ایرادهای خود به خرج نمی‌دهند، خود را به‌روز نمی‌کنند و گوشه‌شان به انتقادها بدکها نیست. در این میان بدتر از اصلاح نشدن این اوست که چند جوان تازه‌کار برای اینکه به گزارشگر موفقیت تبدیل شوند اصرار دارند روش گزارش کردن عادل فردوسی‌پور را تقلید کنند. این کار آنها باعث شده پهنده را با یکسری آمار و اطلاعات جانبی بمباران کنند و این اطلاعات را جایی بگویند که پهنده هیچ علاقه‌ای به شنیدن آنها ندارد. طرفداران منچستر می‌دانند بالاخره روزی می‌رسد و مگر نویل خداحافظی می‌کند اما برای ما هیچ روزنه امید در رابطه با این مشکل وجود ندارد.

نکته پایانی: می‌توان مجری محترم دیدارهای ورزشی را هم به جمع این گزارشگران اضافه کرد. به نظر می‌رسد شبکه‌های ماهواره‌ای ایشان را در کنار حق پخش مسابقات به ایران فروخته‌اند و شبکه سوم اجازه پخش مسابقات خارجی بدون این آقا را ندارد.